گزارش «جوان» از لحظه به لحظه سفر به مناطق عملیاتی جنوب غرب

۴۴۵ متر کانال زیر میدان مین دشمن

بخش پایانی

■ علیرضا محمدی

سفر به مناطق عملیاتی جنوب غرب کشور همراه با کاروان رسانه‌ای فرصتی فراهم آورد تا گوشه‌هایی از خاطرات نه چندان دور ملت ایـران را به عینه مشاهده کنیم و با روایتگری امیر سیدعلی مهرابی معاون عملیات نیروی زمینی ارتش، این بخش از تاریخ معاصر کشـورمان را مروری دوباره کنیم. بخش اول گزارش این سفر دیروز تقدیم حضورتان شد و اینک بخش دوم پیش رویتان قرار دارد.

■■■

در ادامه سـفر به طرف «دزفول» می‌رویم؛ شهری که به مردمان دیندارش مشـهور اسـت. دیاری در شمال خوزستان که مهمان نوازی‌اش از رزمندگان طی هشت سال جنگ تحمیلی خاطراتی خوش را در حافظه تاریخی کشورمان به یادگار گذاشته است. این شهر اما مقر تیپ ۲۹۲ زرهی دزفول نیز است که با حماسه‌آفرینی‌اش در طـول دوران دفاع‌مقدس، در فرهنگ لغـت این دوران نامی پرافتخار از خود به یادگار گذاشته است. تیپ دزفول کوله‌باری از واگویه‌ها و درددل‌ها از روزهای اول جنگ تا آزادسازی سوسنگرد و نبرد در چزابه و سابله و... در سینه دارد. خاطراتی که با صدای شـنی تانک‌های این واحد زرهی در هم آمیخته و ما را تا تپه‌های کوت‌کاپن می‌برد؛ جایی که کانال هندلی استاد غلامحسین یزدی، جهنمی را برای نیروهای عراقی فراهم آورده بود.

■ کانال هندلی و استاد یزدی

روی یکی از بلندی‌های کوت‌کاپن که تپه‌هایی نه چندان مرتفع را در خود جای داده است، شـنوای روایت‌های امیر مهرابی می‌شویم. در اینجا باز از عملیات فتح‌المبین حرف‌هایی باقـی مانده که باید گفته و نوشـته شـود. دفاع‌مقدس آن قدر ناگفته در خود دارد که هر حادثه و اتفاق آن بارها و بارها شنیده و گفته شود و باز هم تازگی خود را حفظ کند. مثل ماجرای شیرین و در عین حال عجیب کانال هندلی که با مهارت اسـتاد غلامحسین یزدی و همت رزمندگان، طی سه ماه و به طول ۴۴۵ متر در زیر میدان‌های مین دشمن حفر می‌شود تا در شب عملیات فتح‌المبین بعثی‌ها را غافلگیر کند.

امیر مهرابی در شرح منطقه کوت‌کاپن و کانال هندلی می‌گوید: این منطقه در گذشته‌های دور حصاری برای شـوش بوده اسـت. در جنگ تحمیلی و طی عملیات فتح‌المبین نیز کوت‌کاپن شاهد صف‌آرایی یک تیپ از لشکر ۲۱ حمزه با فرماندهی امیر حسنی سعدی بود. روی همین خاکریزهایی که اکنون مشاهده می‌کنیم نیروهای عراقی با فاصله ۳۰ متری رزمندگان مستقر بودند.

نقطه‌ای که امیر مهرابی به آن اشاره می‌کند متشکل از چندین تپه گره خورده به هم اسـت. از بلندی یکی که سرازیر می‌شوی، به دامنه دیگری می‌افتی و همین طور تا به سطح نسبتاً مسطحی می‌رسی که اکنون زمین‌های کشـاورزی رویش قرار دارد، اما روزگاری نه چندان دور سراسر این محیط را میادین مین دشمن فراگرفته بود. زمینی که کشـنده‌ترین سـلاح‌های مخفی را در خود نهان داشـته بود تا جلوی حرکت رزمندگان به مواضع دشـمن را بگیرد. اما کانال هندلی که ابتـکاری از هنر سنتی قنات‌کنی ایرانیان را در خود داشت همه معادلات بعثی‌ها را برهم ریخت.

امیر مهرابی در شرح این کانال می‌گوید: برای حفر کانال هندلی استاد یزدی به این مکان آورده شد تا طی سه ماه، یک کانال با عرض تقریبی دو متر و به عمق سـه متر و طول ۴۴۵ متر زیر میدان مین دشمن حفر شود. برای تنفس رزمندگان نیز تهویه‌ای نامحسوس کار گذاشته شده بود. به این ترتیب در شب عملیات وقتی که دشمن انتظار داشت تا قوای ایرانی پشت میدان مین درجا بزنند، رزمندگان با عبور از این کانـال زیرزمینی خود را به آن سوی مواضع دشمن رسـانده و ضربه مهلکی بر او وارد می‌کنند. هرچند طراح این کانال یعنی استاد غلامحسین یزدی بعدها به شهادت رسـید، اما آثار و خاطره کانال هندلی او برای همیشه ماندگار ماند.

■ سایت‌های موشکی

مسیر سفر ما طوری طراحی شـده بود تا قدم به قدم با رزمندگان عملیات فتح‌المبین همراه شـویم. چنانچه اندکی بعد برفراز سایت‌های ۴ و ۵ موشکی قرار می‌گیریم. شکل و شمایل این سایت‌ها همانند باند فرود بالگردها است که روی دو بلندی ساخته باشند. البته بلندی‌هایی که نه به شـکل طبیعی بلکه به دسـت انسـان احداث شده‌اند؛ با ماسه و سنگ و کلوخ و بتن که محل استقرار موشک‌های هاگ ضد هوایی را ترتیب می‌دادند. این دو سـایت در زمان قبل از انقلاب مهیا شدند تا شهرهایی چون شـوش و دزفول و سوسـنگرد را از هجوم هوایی دشـمن پاس بدارند. اما با اشـغال آنها در روزهای اول شروع جنگ تحمیلی، خود این سایت‌ها بلای جان این شهرها شدند و دشمن با اسـتقرار سلاح‌های دورزنش چون توپخانه در سـایت‌ها، شـهرهای اطراف را مورد هجوم قرار می‌داد.

هنگام حضور مـا در سـایت‌ها، لطافت هـوای بهاری خوزستان با بارانی که طی روز گذشته گاه و بی‌گاه سینه آسمان را می‌شـکافت و فرومی‌ریخت، تصویری زیبا از این دو تپه مصنوعی در پیش چشم‌مان نمایش می‌داد. اما به گفته امیر مهرابی وقتی که قرار شد رزمندگان این دو سایت را از دشمن پس بگیرند، بیشترین مقاومت‌ها در همین نقطه از سوی بعثی‌ها انجام گرفت و متر به متر این مکان با خون و جانفشانی رزمندگان بازپس گرفته شد. اندکی بعد سایت‌های پرحماسه با خاطرات سرخ و خونینش را ترک می‌گوییم تا خـود را به مناطق مرزی فکه برسانیم.

■ فکه و رمل‌های خونین

«فکه» با رمل‌های روان یادگارهایی از بچه‌های گردان حنظله و آوینی و شهدای ارتشـی و سپاهی و بسیجی در خود دارد. اما آمدن ما به این منطقه علاوه بر گذری به بخشـی از تاریخ دفاع‌مقدس، بازدیـد از مقر گردان تکاور ۷۹۹ از تیپ ۴۵ تکاور به فرماندهی سرهنگ تقی دریکوند نیز اسـت. رزمنده‌ای از دوران دفاع‌مقدس که قدم به قدم گروه اصحاب رسانه را در سفرشان به مناطق مرزی مشایعت می‌کند.

در مقر گردان ۷۹۹ که مشکل بی‌برقی و امکانات کم، سـربازان و افسـران این واحـد را آزار می‌دهد، ورای تمامی محرومیت‌ها انسـان‌هایی را ملاقات می‌کنیم که امام سـجاد(ع) در دعاهایش از آنها یـاد می‌کند. مرزدارانی که تمامی سـختی‌ها را به جان می‌خرند تا مردم کشورشان در آسـایش و آرامش باشند. در مقر این گردان نمایش‌های کمین برایمان ترتیب داده شده است. آمادگی رزمی تعدادی از سربازان تکاور بی‌اغراق نظر گروه رسانه را به خود جلب می‌کند. سپس سربازی روبه‌رویمان قرار می‌گیرد و مختصات جغرافیایی محل را به خوبی شـرح می‌دهد. اندکی بعـد آزادباش برای همه صادر شده و صف سربازان و بچه‌های خبرنگار در هم می‌آمیزند و هر کسی به سراغ سوژه خبری خودش می‌رود. سوژه ما نیز روی یک سنگر دیده‌بانی قرار دارد که بر فراز بام بنایی یک طبقه ساخته شده و مسلسلی نیز درونش قرار دارد. این اسـلحه خـودکار به جانب روبه‌رو نشانه رفته است. مرز کشور عراق که سی و چند سال پیش تمامی خطوط مرزی خود با کشورمان را در هم شکافت و به داخل ایران تجاوز کرد. حالا سربازان روی این سـنگر و دکل‌هـای دیگر و با مسلسـل‌ها و سلاح‌هایشان شب و روز نگهبانی می‌دهند تا دیگر هیچ کسی به راحتی هوس تجاوز به کشورمان را به مخیله خود راه ندهد. به سـختی خودمان را روی این ارتفاع سه الی چهار متری می‌رسانیم، برای رسیدن به سنگر باید از نردبانی فلزی بالا برویم و تازه به تانکری برسیم که گویی جزئی از سقف بنای یک طبقه شده است. بعد با کمک سربازان حاضر در سنگر و در حالی که هر آن امکان لیز خوردن و افتادن وجود دارد به بالای سـنگر می‌رویم. مسلسـل برای لحظاتی در زاویه دید ما قرار می‌گیرد تا ما نیز طعم پرافتخار مرزداری را بچشیم. اما پشه‌ها نمی‌گذارند راحت باشیم و پیش از هر دشمنی مایی را که از محیط شهر به بیابان‌های جنوب آمده‌ایم از پا در می‌آورد! اما حکایت این مرزدارها تفاوت دارد. آنها به این شـرایط سـخت عادت کرده‌انـد و در برابر شکایت ما از وجود لشکر پشه‌ها می‌خندند!

سرباز شیرزاد رحیمی از تبریز که پنج سال پس از اتمام دفاع‌مقدس به دنیا آمده است، از جنگ همین قدر شـنیده که جوانانی مثل او از شرف و ناموس‌شان دفاع کردند تا نظام اسلامی سربلند باشد. او حرف جالبی می‌زند و می‌گوید: اینجا شـرایط جنگی تا حدی حفظ شده است. شاید درگیری نباشد اما از این خاکریز به آن طرف خاک کشور دیگری است که زمانی دشمن ما محسوب می‌شد. بنابراین حال و هوای منطقه طوری است که اغلب شب‌ها خود به خود یاد شهدا و رزمنده‌ها می‌افتم.

می‌پرسم اگر باز جنگ شود فکر می‌کنی که شما هم بتوانید کار رزمنده‌ها را انجام دهید، شیرزاد پاسخ می‌دهد: وقتی اینجا هستی تازه متوجه می‌شوی که کار رزمنده‌ها خیلی سخت بود. نمی‌دانم می‌شود عمل آنها را انجام داد یا نه. اما ایرانی ایرانی است و قدیم و جدید ندارد! بعد تعریفش از دفاع‌مقدس را می‌گوید که: جهاد است و شهادت است و خون و... در نهایت پیروزی.

سرباز علی نامدار از آباده شیراز هم می‌گوید: پدرم در جنگ بود و قبل از آمدن بـه اینجا هرچه او از دفاع‌مقدس تعریف می‌کرد یا در فیلم‌ها می‌دیدم برایم چون افسانه بود، حالا که به نقطه صفر مرزی آمده‌ام خوب حالی‌ام شده رزمنده‌ها در جنگ چه دیده و چه کشیده‌اند. ما کلاً چند ماهی در اینجا هستیم اما آنها که سال‌ها در شرایط جنگی اینجا بودند چه زجرها کشیدند. او ادامه می‌دهد: بارها پیش آمده به کسـانی برمی‌خورم که می‌گویند مگر رزمنده‌ها چه کاری کردند که باید سـال‌ها از عملشـان گفت. پاسـخم به آنها این است که فقط یک ماه در اینجا بمانید تا بفهمید رزمنده‌ها چه کار کرده‌اند. نامـدار همچنین از امکانات کم رزمنده‌ها در برابر سـلاح‌های پیشـرفته دشمن می‌گوید و از اینکه خدمت در این محیط شـاید سـخت باشـد اما روی طرز فکـر او تأثیر زیادی گذاشته است.

■ سابله و خاطرات یک رزمنده

از فکه به سمت دهلاویه می‌رویم. اما سر راه به تنگه چزابه سـری می‌زنیم. منطقه‌ای که طی عملیات طریق‌القدس شاهد سخت‌ترین درگیری‌ها میان نیروهای ایرانی و بعثی‌ها بوده است. به گفته امیر مهرابی پس از آنکه دشمن در حین این عملیات، بستان را از دسـت داد، از تنگه چزابه فشار زیادی وارد کرد تا دوباره شهر و منطقه پیرامونی‌اش را پس بگیرد، اما مقاومت رزمندگان او را ناامید سـاخت. بنابر این از پل سابله شانس خود را دوباره امتحان کرد. مکانی که پس از بازدید از چزابه به سمت آن می‌رویم چند دقیقه بعد به پل رودخانه سـابله می‌رسیم. اینجا مکانی است که امیر سیدعلی مهرابی خاطرات بکـری در آن دارد. رودخانه سـابله خیلی عریض نیست. اما به گفته مهرابی با هجوم نیروهای دشمن به این نقطه، درگیری تنگاتنگ و شـدیدی میان نیروهای دو طـرف در آن صـورت می‌گیرد. امیر مهرابی در شرح گوشه‌هایی از عملیات طریق‌القدس می‌گوید: در این عملیات هجوم رزمندگان ایرانی از دشت آزادگان آغاز شد و تا هورالهویزه تداوم یافت. به این ترتیب ارتباط نیروهای دشـمن در جبهه شمالی و جنوبی قطع شد. اما دشمن به این راحتی شکسـت را قبول نکرد و همان طور که در چزابه توضیح دادم، چیزی در حدود ۱۰ پاتک را انجام داد که همگی شکست خوردند.

مهرابی ادامه می‌دهد: با آرام شـدن تقریبی اوضاع در چزابه، یک شب حول و حوش ساعت ۲۴، شهید صیادشیرازی به فرمانده گردان مالهراسبی گفتند که شنود ارتش پیام عجیبی را از سمت دشمن دریافت می‌کند. گویی یک نیروی عراقی از سـمت جنوب یعنی از سابله قصد نفوذ به منطقه را دارند. با گرفتن این پیام به سرعت به سمت این منطقه رفتیم. اگر دشمن از این محور وارد می‌شد، کل نیروهای حاضر در بستان به محاصره می‌افتادند. لذا شب به سرعت راه افتادیم و وقتی که به نزدیکی سـابله رسیدیم، من از روی تانـک دیدم یک سـتونی از تانک‌های دشمن به طرفمان می‌آیند، فوراً به فرمانده گردان خبر دادم و چون زودتر از دشـمن به اینجا رسیده بودیم، هنگامی با آنها درگیر شدیم که هنوز تعداد قابل توجهی از تانک‌هایشان از روی پل عبور نکرده بودند. به هر حال درگیری شروع شد و سه ساعتی هم ادامه یافت. در نهایت دشمن اینجا مورد اصابت تانک‌های ما قرار گرفت و حتی یادم هسـت یکی دو تا از ادوات زرهی‌شـان به درون رودخانه افتادند و مابقی فرار کردند. خوبی ایـن بخش از خاطرات امیر مهرابی در این نکته است که ما درست در نقطه اصلی خاطرات او قرار داریم. یعنی وقتی که دارد از انهدام یکی از تانک‌های دشمن می‌گوید ما درست به نقطه انهـدام تانک می‌رویم و بـه همین ترتیب مابقی خاطراتش با مشاهده عینی محل درگیری آمیخته می‌شود. این رزمنده دوران دفاع‌مقدس از خاطره اسارت دو خدمه یک تانک دشمن می‌گوید و تیرباری که یک سرباز سمج عراقی با آن به طرف نیروهای خودی شـلیک می‌کرد، از کشـته شدن همین سرباز سمج بعثی و همچنین نجات جان یک بسیجی زخمی که با دستان بسته شده چند متر آن طرف‌تر از محل ایستادن ما در میان بوته‌ها و گل و لای موجود در منطقه افتاده بود. شیرینی خاطره این روز شگفت‌انگیز از برق نگاه امیر مهرابی و لحن کلامش به خوبی نمایان است. او و همه رزمندگانی که هشت سال تمام با کمترین امکانات برابر دشمنی که از سوی تمامی ابرقدرت‌ها تغذیه می‌شد ایستادند از نسـل مقاوم مردمانی هستند که به گفته شهید آوینی اگر می‌خواهیم آنها را بشناسیم باید داستان کربلا را بخوانیم.

سـر راه به تنگه چزابه سـری می‌زنیم. منطقه‌ای که طی عملیات طریق‌القدس شـاهد سـخت‌ترین درگیری‌هـا میان نیروهای ایرانی و بعثی‌ها بوده است. به گفته امیر مهرابی پس از آنکه دشمن در حین این عملیات، بستان را از دست داد، از تنگه چزابه فشـار زیادی وارد کرد تا دوباره شهر و منطقه پیرامونی‌اش را پس بگیرد، اما مقاومت رزمندگان او را ناامید ساخت. بنابر این از پل سابله شانس خود را دوباره امتحان کـرد. مکانی که پس از بازدیـد از چزابه به سـمت آن می‌رویم

دفاع‌مقدس آن قدر ناگفته در خود دارد که هر حادثـه و اتفاق آن بارها و بارهـا شـنیده و گفته شـود و باز هم تازگی خود را حفـظ کند. مثل ماجـرای شـیرین و در عیـن حال عجیب کانال هندلی کـه با مهارت اسـتاد غلامحسـین یزدی و همت رزمندگان، طی سه ماه و به طول ۴۴۵ متر در زیر میدان‌های مین دشـمن حفر می‌شـود تا در شـب عملیات فتح‌المبین بعثی‌ها را غافلگیر کند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۲۱۴

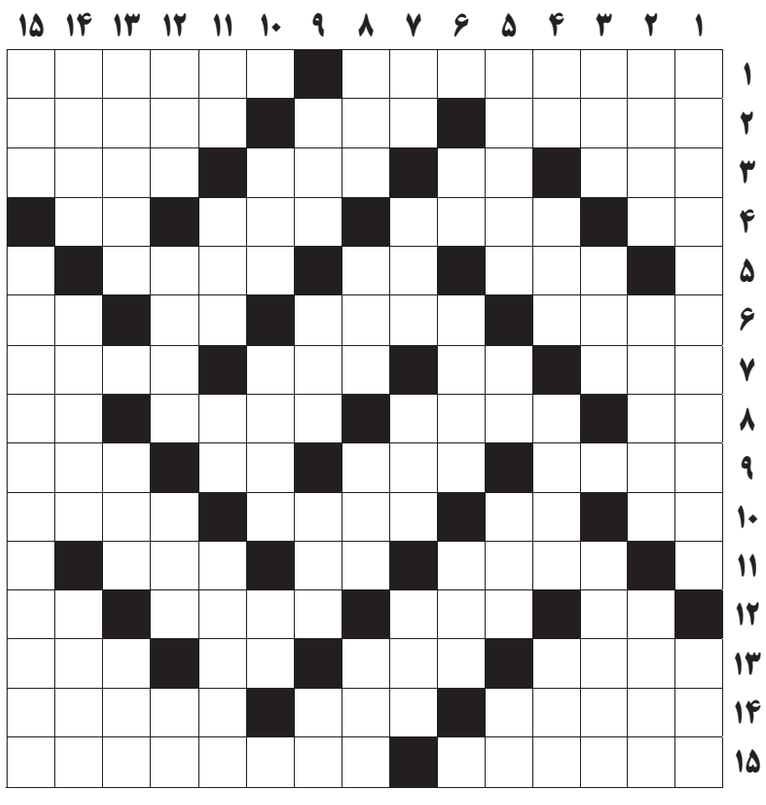

از راست به چپ

■ ۱-هیدروتراپی-برای پیشرفت و پیروزی لازم است ■ ۲-کشور باستانی جنوب ایران-کوشک-اسیدی که اساس ساختمان پروتئین‌ها را تشکیل می‌دهد ■ ۳-موشک ضدتانک-چوب خوشبو-بزرگترین پالایشگاه بدن-روح انسانی ■ ۴-یار کارتونی پت-سـوغات زلزله-ترس و بیم-مادر تازی ■ ۵-فروبردن غذا-فلز رسانا-مهلت و زینهار ■ ۶-سرقت-محصول استراتژیک خشکبار ایران-پایتخت آلمان غربی سابق-حرص و طمع ■ ۷-یک آذری-مادر لر-الفبای تلگراف-خبرگزاری ایتالیا ■ ۸-داغ انگلیسی-بیماری ورم و درد شدیدی که در پا و انگشتان، به خصوص شست پا بروز می‌کند-اجاره‌دهنده-خط کش مهندسی ■ ۹-خوراک ضبط صوت-لقب امرای ترک-هر یک از دو سطح سکه-زبانه آتش ■ ۱۰-در کشتی می‌زنند-فرمانده بدن-نام قدیم خمین-بانی ■ ۱۱-شکاف باریک-عدد تقویمی-کاخ سلطنتی ■ ۱۲-حرف فاصله-شیار کردن زمین برای کشت دانه-از پیامبران الهی-شراب شاعرانه ■ ۱۳-یکی از چهار عمل اصلی در ریاضی-کار سخت و دشوار-ورق کاغذ-نیمسال تحصیلی ■ ۱۴-رنگ آسودگی خاطر-مسافرت دسته‌جمعی-یکی از حواریون حضرت عیسی ■ ۱۵-بازیکن سال‌های گذشته پرسپولیس-بزرگ‌ترین میدان جهان واقع در پکن

از بالا به پایین

■ ۱-رمز موفقیت و پیروزی در تمام کارها-مصدر ناتمام ■ ۲-نان از شب مانده-روغن این گیاه از فشار خون جلوگیری می‌کند-کوره پخت نان ■ ۳-سطل-ماه کامل-جانشین تیمور لنگ ■ ۴-علامت مفعول-شیمی کربن-از پادشاهان ساسانی-عنصر مقدس در دین زرتشت ■ ۵-استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ... است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی-مردن بر اثر غصه-از درختان جنگل‌های شمال-تصدیق آلمانی ■ ۶-تصدیق روسی-قومی که سلسله اشکانی را تأسیس کرد-اسب خسرو پرویز ■ ۷-منقار کوتاه-خاک گور-کیف مسافرتی-بازنده شطرنج ■ ۸-گاو پر موی تبتی-جور-خورشید-طعام و روزی ■ ۹-از شبکه‌های صدا و سیما-گرمی آتش-چرک و کثافت-شهر برج طغرل ■ ۱۰-کلید رحمت-از تقسیمات قرآن-یار شیرازی ■ ۱۱-شام ناتمام-سلاح ترکیدنی-اتمسفر-پرورشگاه مار! ■ ۱۲-سوغات گجرات-آب این میوه جلوی تصلب شـرایین و بیماری قلبی را می گیرد-لوله غذا-بخار دهان ■ ۱۳-از سیارات منظومه شمسی-تکان شدید-گلخن حمام ■ ۱۴-نام قدیم ویتنام-فشار روحی و روانی-آدمی و انسان ■ ۱۵-در گرو گذاشتن-کشوری در حاشیه اقیانوس آرام

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۳	۶			۸	
							۴	۳
		۴		۱			۷	
	۵		۲					
						۹		
	۳					۵		۴
۲				۹				
۷			۶					
				۷		۸	۱	۶

جدول کلمات متقاطع
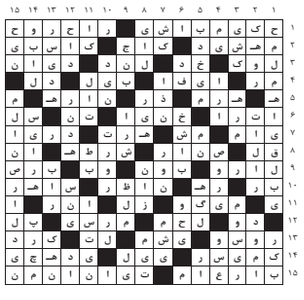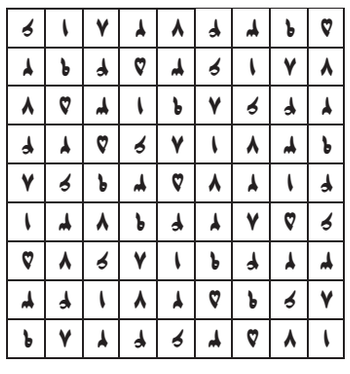
پاسخ جدول شماره ۴۲۱۳